



# اساطیر و مذاهب الهی



بخش فرهنگی جامعه مدرسین

کاوش در اساطیر باستانی از دوره تمدن یونانی وجود داشته است، دلیل آن نیز تصفیة عناصر فکری اساطیر به وسیله «عقل یونانی» است، این اساطیر بعدها در قرون وسطی نیز همچنان مطابق «وحی دینی» ترکیه شده و بدین شکل در اروپا «جهت گیری عقلی و دینی» تا اندازه زیادی از «حاکمیت اساطیر» کاست.

منظور از «اساطیر» چیست؟ و تلاش عصر جدید برای شناخت آنها به چه منظوری است؟ به تعبیری می‌توان نقش اساطیر را در عصر باستان، همان نقش دینی، در دوره متأخر دانست، در این صورت، مفهوم اساطیر تا حدود زیادی وضوح خواهد یافت: اساطیر مجموعه عقاید کلی بشر پیرامون هستی و مظاهر آن، و بازتاب این معرفت در زندگی عملی بشر به صورت آداب و رسوم است. تلاش مجدد عصر جدید برای کاوش در اساطیر، تقریباً همان هدف عقل یونانی، برای تصفیة اساطیر است.

قانون تکامل که از دستاوردهای تفکر قرن هیجدهم و نوزدهم انسان اروپایی است، دوره‌های زندگی بشر را به گونه‌ای ترسیم می‌کند که انسان در دوره‌های اول اسیر تخیل و به دنبال آن در پی تعقل و در نهایت به دنبال شناخت واقعیات بر اساس علم تجربی بوده است، با توجه به این قاعده، تمامی اساطیر که مجموعه معرفت‌های بشر اولیه است به باد استهزاء گرفته شده و

به عنوان تخیلات بشر مطرح شد.

به تعبیر بهتر این قانون، فرمولی برای محکوم کردن اندیشه‌های گذشته بشر و قبولاندن اندیشه جدید است، بشر اروپایی با توسل به این قانون خود را در قله تکامل، معرفی می‌کرد. با این بینش، ارزیابی اساطیر تنها در خدمت اثبات این نظر بود که به تحکیم مبانی فکری غرب جدید می‌انجامد.

اما پس از آنکه در اروپا از ارزش قانون تکامل کاسته شد و بشر جدید مزه شرارتها و مساوتهای سلطه علم را چشید، تا اندازه‌ای از سخن قبلی خود عقب‌نشینی کرد، دردهای جدید مغرب‌زمین، اندیشمندان را وادار کرد به فکر اصلاح غرب پردازند، از آنجا که درد اصلی آنها، نداشتن معنویت بود، سعی شد تا به شکلی این خلاء پر شود، لذاست که در قرن بیستم مجدداً اروپا به سمت مذهب متمایل شد، این تمایل بر خلاف ذات این تفکر بود، اما چاره‌ای که برای حفظ آن اندیشیده شده بود همین بود و بس؟!

این بار برخورد تازه‌ای با اساطیر شد، و سعی گردید تا از اندیشه‌های هندی و غیر آن، چاره‌ای برای دردهای اروپا پیدا شود.

«گریشنان» می‌نویسد:

امروز روح بشر، روی پی‌های استوار قرار نگرفته، تمام اشیاء در پیرامون او متغیر است و متضاد، روانش پیچیده، جانش تلخ و آینده‌اش نامعلوم... او در ادامه، در چاره این مشکل می‌نویسد:

از این قرار، شاید تمدنها و دینها و اخلاقیات مشرق زمین بتوانند در این چاره‌جویی‌های ما در قبال مشکلات کمکی کنند.<sup>۱</sup>

از این رو طرح اساطیر، به شکل جدیدی عنوان شد، این بار اساطیر، مطرح شد تا در ساخت جدید بشر، به او کمک کند و مشکلاتی را که نصیب او شده از بین ببرد، «الیاده» در طرح این مشکلات می‌نویسد:

در این زمان که تاریخ می‌تواند کاری کند که... نسل بشر را یکباره از صفحه روزگار بزاید، شاید ما شاهد تلاشی باشیم که می‌خواهد با بازگرداندن دوباره جوامع پریشان بشری به افق نمودهای ازلی و تکرار جاودانه آنها (کاری که اساطیر می‌کند)<sup>۲</sup> از ترکتازی «حوادث

۱ - ادیان شرق و فکر غرب ص ۲۰، ۲۱ انتشارات مختار.

۲ - داخل پرانتز از ما است که از خود بحثها مستفاد می‌شود.

تاریخی» جلوگیری کند... بسیار جالب می‌بود اگر می‌توانستیم چاره‌گری‌های تاریخ ستیزانه جوامع آینده را با افسانه‌های مربوط به «عصر زرین» جوامع سنتی، که مطابق معتقدات آنها (به صورت بهشت عدن و یا جنت معادی) در آغاز یا فرجام جهان قرار داشت، بسنجیم.<sup>۱</sup> می‌بینید که اساطیر به شکل تازه‌ای مطرح شده و از جانب این اندیشمندان به عنوان داروئی برای چاره‌دردهای بشر جدید مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

ما مسئله را بشکل دیگری مطرح می‌کنیم، ما قانون تکامل را به این شکل که اندیشه بشر را در تاریخ، به صورت یک سیر صعودی ترسیم کنیم (به صورت کلی) نمی‌توانیم بپذیریم، ما معتقدیم مسئله شناخت هستی از نظر دین، در اولین فلسفه‌های نبوی، ارائه شده و همان نتایجی مورد قبول قرار گرفته که اکنون نیز بشر پذیرفته است. اگرچه قبول داریم که دایره تأملات بشر با توجه به بعثت‌های انبیاء، گسترش یافته است، اما این حد از گسترش نیز در حوزه دین از معارف قرآنی بالا تر نخواهد رفت.

در این صورت، محتوای معارف دینی، امروز و دیروز نمی‌شناسد و از اولین روزها با یک محتوی و البته با صورتهای مختلف برای بشر بیان شده است، در این صورت یک سؤال پیش می‌آید و آن اینکه این فرهنگ مذهبی در میان انسانهایی که، در «عهد باستان» می‌زیستند و حتی تا این اواخر به عقاید خود پای بند بوده و هستند چگونه وجود دارد؟ آیا اگر بناست در هر امتی، رسولی فرستاده شود در میان این ملت‌ها، این رسالت به چه صورت مطرح شده است؟ به اعتقاد ما عناصر مشترک بین اساطیر و مذاهب الهی - که گاهی در محتوی و گاهی در شکل وجود دارد - می‌تواند نشان دهد که فرهنگ مذهبی در قالب اساطیر و میان آنها - که آمیخته با انحرافات و کجرویهای بشر است - وجود دارد.

اگر این عناصر مشترک وجود داشته باشد، دو طرف یک حقیقت را می‌تواند نشان دهد: یکی همانکه فوقاً اشاره کردیم و آن اینکه فرهنگ مذهبی در میان آن مردم نیز وجود داشت یعنی رسالت الهی در میان آنان نیز وجود داشته است.

دوم اینکه این عناصر مشترک که از لحاظ تاریخی و جغرافیائی هیچ ارتباطی بین آنها و ملت اسلام (در عصری که ظهور کرد) نبوده، نشان دهنده یک حقیقت بسیار والاست و آن اینکه منشأ همه اینها وحی است (صرفنظر از انحرافات و تحریفات اساطیر) و اگر بین این

۱ - مقدمه بر فلسفه‌ای از تاریخ ص ۲۰۴ تهران ۱۳۶۵

نقاط مشترك، تأثیر و تأثر تاریخی حتی با احتمال هم نتوانیم نشان دهیم (که نمی‌توانیم) طبعاً باید بپذیریم که منشأ این عقاید در آن ملت‌ها، بوسیله انبیاء خاصی که در قرآن از آنها نام برده نشده و در امت اسلام، بوسیله پیامبر صلی الله علیه و آله، وحی خداوند است.

به نظر ما این مسئله وقتی وضوح بیشتری خواهد یافت که به نمونه‌های ذیل توجه کنید آنگاه به ارزش و اهمیت کار، پی خواهید برد، در اینجا ما در محدوده چند کتاب جزئی، نمونه‌هایی را ذکر کرده‌ایم، اما همین‌ها نشان می‌دهد که این کار می‌تواند به عنوان یک پروژه تحقیقاتی وسیع برای اثبات مطالبی که ذکر شد از ناحیه محققان مورد ارزیابی قرار گیرد. در اینجا، در هر مورد ما چند مثال کوتاه خواهیم داشت.

### توحید:

مسئله توحید از یک جهت فطری بوده و از جهت دیگر، اولین اندیشه مذهبی است که در رسالت انبیاء نقش محوری دارد.

در مورد عقاندهندوها، پیرامون توحید مطالب چندی ذکر شده است، آنها در عین اعتقاد به خدایان متعدد، در اصل فکر توحید، پُا برجا بوده‌اند، گویا همانند گروهی از مشرکین در صدر اسلام.

در کتاب «ریگ و دا» که یکی از قدیمی‌ترین نصوص «هندوها» می‌باشد پیرامون خدا آمده است:

او یکی است اما فرزندان، نامهای گوناگون به او می‌دهند، او را «آگنی‌یمه» یا «ماتریشون» می‌خوانند.<sup>۱</sup>

در مورد چونی و چگونگی برهمن (حقیقت مطلق)، آراء مختلفی بیان شده است، در بعضی از موارد (در نصوص قدیمی) برهمن، اصلی است کیهانی یعنی جامع و در برگیرنده همه چیز، در موارد دیگر ذاتی است غیرکیهانی یعنی جدا از همه چیز، باز در مواردی برهمن حقیقتی است مطلق، نامشخص و برتر از هر گونه صفت و کیفیت، و در موارد دیگر، روح اعظم و وجود اعلی است و متصف به جمیع صفات کمالی.<sup>۲</sup>

۱ - تاریخ فلسفه در اسلام ج ۱ ص ۲۵ از م.م. شریف.

۲ - تاریخ فلسفه در جهان اسلام ج ۱ ص ۲۹

... فضای فکری «اویانیشادها» فضای توحید وجودی است و تعلیمات او پیشنهادی در اطراف وصول به حقیقت مطلق و یکی شدن با آن دور می‌زند و طریقه‌های عملی حصول به این مقصود را ارائه می‌دهد.<sup>۱</sup>

در مورد یکتاپرستی در عقائد زردشتی گفته شده که «زرتشت» بنیان یکتاپرستی تازه‌ای گذارد... هفده سرودی که به زبان نسبتاً باستانی سروده شده (گائاه‌ها، گائاه‌ها، گاهان) که در واقع کانون اوستاست، عموماً کار خود زرتشت می‌دانند، در گائاه‌ها حرمت و قداست تنها از آن يك خدای متعال است.<sup>۲</sup>

در مورد عقائد مغولان، قبل از حمله به ممالک اسلام، یعنی آنگاه که همان عقائد اساطیری خود را داشتند گفته شده... مغولان آفرینش آسمانها و زمین را به خدای یگانه نسبت می‌دادند و او را منشأ خوشبختی و بدبختی می‌دانستند.<sup>۳</sup>

این نویسنده ادامه می‌دهد: به عقیده مغولان، خدای یکتا فرمانروائی روی زمین را به آنها اعطاء کرده است و خان‌ها رسالت داشتند که اراده خالق را به فعل مبدل کنند و به همین مناسبت، روی نشان‌ها و اسناد خود این کلمات را می‌نوشتند «منگوتنگری گوجوندور» یعنی به خواسته خداوند جاوید.<sup>۴</sup>

در جمله آخر، دو نکته قابل توجه وجود دارد یکی این مسئله که اصولاً منشأ حکومت امری است که از ناحیه خدا باشد و حاکم نیز مجری «اراده» خدا است، این یکی از اصول سیاسی تفکر صحیح مذهبی است، در قسمت دیگر همان جمله آنها است که عبارت «آخری» «انشاالله» در فرهنگ مذهبی است.

### معاد:

اندیشه معاد یکی از اصولی است که انبیاء بواسطه اطلاع از وحی، از آن و کیفیت آن خبر داده‌اند، در عین حال، وجود آن را در اندیشه‌های اساطیری به وضوح ملاحظه می‌کنیم، اگر چه اختلافاتی بین کیفیتی که آنها بیان می‌کنند با بیان مذهب، وجود دارد. یکی از محققین در فرهنگهای اساطیری می‌نویسد:

۳ - اشپولر، تاریخ مغول در ایران ص ۱۷۴

۱ - همان.

۴ - اشپولر، تاریخ مغول در ایران ص ۱۷۵

۲ - همان ص ۸۲

به طور خلاصه می‌توان گفت که در نزد ایرانیان و نیز یهودیان و مسیحیان، تاریخ عالم محدود است و پایان جهان همراه است با نابودی بزهکاران، رستخیز مردمان و غلبه ابدیت بر زمان.<sup>۱</sup>

واضح است که جمله آخر اشاره به جاودانگی قیامت است.

همچنین در مورد فرهنگ ایرانیان آمده است که:

... آتش رستاخیزی در واقع جهان را احیاء خواهد کرد و چنان که در «اوستا» آمده

به وسیله آن زنو، جهانی آراسته خواهد شد پیری ناپذیر، نامیرا، ناگندیدنی، ناپوسیدنی، جاودان، زنده و بالنده و خرم، آنگاه که رستاخیز شود، آنگاه که بر زندگان انوشکی ارزانی گردد، آنگاه که جهان یکسره فرشگرد شود.<sup>۲</sup>

... در آن روز.. همه درباره کارهایی که در طول تاریخ انجام داده اند حساب پس

خواهند داد و تنها کسانی که بزهکار نیستند به جاودانگی و خجستگی خواهند پیوست.<sup>۳</sup>

در «ریک ودا» از آثار قدیمی هندو در کتاب نهم و دهم پیرامون معاد آمده است:

... یمه، ایزد مرگ، نخستین موجود زنده ای است که می‌میرد. وی راه عالم دیگر را

کشف می‌کند، دیگران را بدان سوی، راهنمایی می‌کند و در آنجا آنان را در مقام و مأوانی جاودانی گرد می‌آورد، یمه، نیکوکاران را در جایگاههای تابناک و نورانی منزل می‌دهد و برای بدکاران مایهٔ بیم و هراس است.<sup>۴</sup>

و باز در مورد معاد در اندیشه‌های زرتشتی آمده است... ولی در پایان جهان،

رستاخیز واقعی تن خواهد بود و بدن مردگان از نو ساخته خواهد شد.<sup>۵</sup>

در اسطوره‌ای از «مدو»، خالق و صاحب ارض به دوزوجی که آفریده است، اطمینان

می‌دهد که وقتی این دنیا فرسوده شود آن را به تمامی از نو خواهد ساخت و هنگامی که آن را

دوباره ساختم شما دوباره ولادت خواهید یافت.<sup>۶</sup>

چونکتابها معتقدند که دنیا با آتش ویران خواهد شد اما ارواح باز خواهند گشت،

استخوانها دوباره گوشتمند خواهند شد و زنده شدگان باز در زاد و بوم خویش سکونت خواهند

گرفت.

۴- تاریخ فلسفه در جهان اسلام ج ۱ ص ۲۶، ۲۵

۵- تاریخ فلسفه در جهان اسلام ج ۱ ص ۸۹

۶- چشم اندازهای اسطوره ص ۶۶

۱- مقدمه بر فلسفه‌ای از تاریخ ص ۱۷۶

۲- مقدمه فلسفه‌ای از تاریخ ص ۱۷۱

۳- مقدمه فلسفه‌ای از تاریخ ص ۱۷۲

مؤلف این نوشته اضافه می‌کند: ... در اسطوره‌ای مشابه، نزد اسکیموها می‌یابیم که می‌گویند مردگان از استخوانهای خود دوباره نشأت خواهند گرفت.<sup>۱</sup>  
معاد در عقائد مغولان نیز وجود داشته است.<sup>۲</sup>

## مسائل دیگر: □

مسائل دیگری نیز به عنوان نمونه می‌توان ذکر نمود:  
مثلاً در باب بهشت نخستین گفته شده... افسانه بهشت نخستین که افلاطون از آن یاد کرده و آثار و نشانه‌هایی از آن در معتقدات هندی نیز قابل تشخیص است، از سوی دیگر نزد عبریان شناخته شده بود، هم در میان ایرانیان و هم در روایات متأخر یونانی-لاتینی.<sup>۳</sup>  
نمونه دیگر مشابهت اسطوره ذیل با خواندن اذان در گوش نوزاد است... رسمی در قبیله Osage در شمال امریکا... در این قبیله به هنگام تولد نوزاد، مردی را که با خدایان صحبت داشته است فرا می‌خوانند و چون به خانه زائورسد، در برابر نوزاد، تاریخ خلقت عالم و جانوران زمین را حکایت می‌کند.<sup>۴</sup>  
در مورد مهدویت در مذهب حابین (که متهم به الحاد بوده و در چند هزاره قبل در هند وجود داشته) آمده است که:  
... پیروان مذهب حابین معتقدند که هرگاه کار مردمان جهان به فساد و گناه کشیده شود، منجیانی فرستاده می‌شوند.<sup>۵</sup>  
در همین زمینه در آئین مزدیسنا آمده که: ... منجی عالم (سوشیانت) و یا بهتر بگوئیم سرمنجی رستاخیری پسران نخستین حامل وحی یعنی زرتشتند.<sup>۶</sup>  
تقریباً مشابه آیه «نساء کُم حَرَّتْ لَکُم فَاتُوا حَرَّتْکُم اَنی شِئْتُمْ»<sup>۷</sup> در روایات هندی آمده است:

«زنان شما کشتزار شما را پس به کشتزار خود درآید چنان که خواهید.»<sup>۸</sup>  
مراسم قربانی جزو مشترک اکثر فرهنگهای اساطیری و مذهبی است، نمونه‌های آن

- |                                           |                                   |
|-------------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱ - چشم اندازهای اسطوره ص ۱۶              | ۵ - تاریخ فلسفه در ایران ج ۱ ص ۳۹ |
| ۲ - رک تاریخ مغول در ایران ص ۱۷۴          | ۶ - تاریخ فلسفه در اسلام ج ۱ ص ۹۸ |
| ۳ - مقدمه بر فلسفه‌ای از تاریخ ص ۱۶۸، ۱۶۷ | ۷ - سوره بقره آیه ۲۲۲             |
| ۴ - چشم اندازهای اسطوره ص ۴۲              | ۸ - مقدمه فلسفه‌ای از تاریخ ص ۴۸  |

بیشتر از آن است که در اینجا ذکر شود.<sup>۱</sup>  
نمونه دیگر، کفاره گناهان است که در فرهنگهای اساطیری نمونه‌هایی از آن به چشم می‌خورد.<sup>۲</sup>

نمونه‌های این موارد مشترك بسیار زیاد است، البته شاید موارد افتراق زیادتر باشد اما نتیجه‌ای که ما می‌خواهیم از همان قسمت اول یعنی مشترکات، به دست می‌آید.  
نتیجه دیگری که علاوه بر مطالب گذشته می‌توانیم به دست آوریم این است که به دنیای غرب گفته شود:

لزومی ندارد برای علاج مشکلات خود به سراغ اساطیر برود، فرهنگ مذهبی بدون تحریف، یعنی اسلام، دردنیای جدید، آماده حل این مشکلات بر اساس توجه به بُعد معنویت و مادیت بشر است ما باید به امید آن باشیم تا انقلاب اسلامی پربرکت ایران، مهمترین دارو برای درمان این مشکلات باشد، این اسلام باید تمامی مبانی فاسد دنیای غرب را ویران کند و از نو جهانی بر اساس تفکر اصیل مذهبی فطری بسازد.

۱ - مثلاً در مورد مفلون رک به تاریخ مفلون در ایران ص ۱۷۴

۲ - چشم اندازهای اسطوره ص ۱۱۳

#### امام خمینی:

مرحوم آقای مطهری يك فرد بود، جنبه‌های مختلف در لو جمع شده بود و خدمتی که به نسل جوان و دیگران، مرحوم مطهری کرده است، کم کسی کرده است، آثاری که از او هست بی استثناء همه آثارش خوب است و من کس دیگری را سراغ ندارم که بتوانم بگویم بی استثناء آثارش خوب است، ایشان بی استثناء آثارش خوب است، انسان ساز است، برای کشور خدمت کرده، در آن حال خفقان خدمت‌های بزرگ کرده است این مرد عالیقدر، خداوند به حق رسول اکرم او را با رسول اکرم محشور بفرماید.

۱۳۶۱/۱۲/۱۱